

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به مادر زیبایی

حضرت فاطمه «سلام الله علیها»

از خداوند متعال

شاکرم

از اساتید محترم

از پدر و مادر عزیزم

از همسر مهربانم

قدر دانم

اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

با تأکید بر قصص انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام)

حسین محمدی سیرت

فهرست مطالب

۱۱.....	سخن ناشر
۱۵.....	مقدمه
۱۷.....	فصل ۱. کلیات
۱۷.....	۱-۱. موضوع شناسی
۱۸.....	۲-۱. بررسی دیدگاهها
۲۱.....	۳-۱. رویکردی جدید
۲۲.....	۴-۱. سازمان تحقیق
۲۵.....	فصل ۲. چارچوب مفهومی و نظری
۲۵.....	کلیات
۲۵.....	۱-۲. چارچوب مفهومی
۲۶.....	۱-۱-۲. بحران
۳۴.....	۲-۱-۲. مدیریت بحران
۳۷.....	۲-۲. چارچوب نظری
۳۷.....	۲-۲-۱. فرآیند شکل‌گیری بحران
۳۹.....	۲-۲-۲. انواع دیدگاهها به مدیریت بحران
۴۱.....	۳-۲-۲. راهبردها در مدیریت بحران
۴۳.....	۴-۲-۲. فرآیند و مراحل مدیریت بحران
۴۳.....	۴-۲-۲-۱. الگوهای مدیریت بحران

۶ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

۴۶.....	۶-۲. الگوی مختار.....
۵۱.....	جمع‌بندی
۵۳.....	فصل ۳. معنای «بحران» در قلمان قرآنی
۵۳.....	کلیات.....
۵۴.....	۱-۳. تحلیل لغوی بحران در قرآن کریم
۵۴.....	۱-۱-۳. فتنه
۵۷.....	۲-۱-۳. فساد
۵۹.....	۳-۱-۳. باغی
۶۲.....	۴-۱-۳. بلا
۶۳.....	۵-۱-۳. بأس
۶۵.....	۷-۱-۳. تیه
۶۶.....	۸-۱-۳. کبد
۶۶.....	۹-۱-۳. غسر
۶۸.....	۱۰-۱-۳. ضرر
۶۹.....	۱۱-۱-۳. حرج
۷۰.....	۱۲-۱-۳. حرب
۷۱.....	۱۳-۱-۳. قتل و قتال
۷۲.....	۱۴-۱-۳. جهاد
۷۳.....	۱۵-۱-۳. رعب
۷۶.....	۲-۳. تحلیل اصطلاحی بحران در قرآن کریم
۷۶.....	۱-۲-۳. واژه‌های دارای بار ارزشی مشتبی
۸۴.....	۲-۲-۳. واژه‌های دارای بار ارزشی منفی
۹۳.....	۳-۲-۳. واژه‌های بدون بار ارزشی
۱۰۵.....	جمع‌بندی
۱۰۹.....	فصل ۴. اصول مدیریت بحران در قصص انبیاء اولو العزم (علیهم السلام) نوح (علیهم السلام)، موسی (علیهم السلام)، نبی اکرم (علیهم السلام)
۱۰۹.....	کلیات
۱۰۹.....	۱-۴. انتخاب الگوی پیامبران اولو العزم (علیهم السلام)

فهرست مطالب ۷

۱۱۲.....	۴
۱۱۳.....	۴
۱۲۰.....	۴
۱۲۸.....	۴
۱۲۸.....	۴
۱۴۳.....	۴
۱۵۸.....	۴
۱۵۹.....	۴
۱۷۶.....	۴
۱۸۲.....	جمع بندی
۱۸۸.....	نتیجه‌گیری
۱۹۵.....	منابع و مأخذ
۲۰۱.....	نمایه

فهرست جداول و نمودارها

«جدول»

جدول(۱): طبقه‌بندی انواع بحران هرمان.....	۳۳
جدول(۲): مراحل و ویژگی‌های بحران.....	۳۸
جدول(۳): رویکردها و راهبردهای مواجهه با بحران	۴۲
جدول(۴): نقش جهاد در مراحل سه گانه مدیریت بحران.....	۸۴
جدول(۵): اصول مدیریت بحران حضرت نوح (علیه السلام).....	۱۲۸
جدول(۶): اصول مدیریت بحران حضرت موسی (علیه السلام).....	۱۵۸
جدول(۷): اصول مدیریت بحران رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).....	۱۸۲
جدول(۸): اصول عام و خاص مدیریت بحران در قصص قرآنی انبیاء اولو العزم (علیهم السلام) ..	۱۹۳

«نمودارها»

نمودار(۱): طبقه‌بندی بحران پور عزت.....	۳۳
نمودار(۲): نمودار فرایند شکل‌گیری بحران.....	۳۸
نمودار(۳): نمودار فرایند خطی شکل‌گیری بحران	۳۹
نمودار(۴): چرخه مدیریت بحران لچات.....	۴۴
نمودار(۵): الگوی چرخشی مدیریت بحران	۴۷
نمودار(۶): نسبت مفهوم «جهاد» و «بحران».....	۸۴
نمودار(۷): نسبت مفهوم «بحران» و «فتنه».....	۸۸
نمودار(۸): نسبت مفهوم «فساد» و مفهوم «بحران».....	۸۹
نمودار(۹): نسبت «بغی» و «بحران».....	۹۰
نمودار(۱۰): نسبت مفهوم «رعب» و «بحران».....	۹۱

۱۰ □ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

نحوه دار(۱۱): نسبت «تیه» و «بحران».....	۹۲
نحوه دار(۱۲): نسبت «عنه» و «بحران».....	۹۳
نحوه دار(۱۳): نسبت مفهوم «کبد» و «بحران».....	۹۴
نحوه دار(۱۴): نسبت مفهوم «عسر» و «بحران».....	۹۵
نحوه دار(۱۵): نسبت مفهوم «بأس» و «بحران».....	۹۶
نحوه دار(۱۶): نسبت مفهوم «حرب» و «بحران».....	۹۸
نحوه دار(۱۷): نسبت مفهوم «ضرر» و «بحران».....	۱۰۰
نحوه دار(۱۸): نسبت مفهوم «قتل» و «قتال» با «بحران».....	۱۰۲
نحوه دار(۱۹): نسبت مفهوم «حرب» و «بحران».....	۱۰۳
نحوه دار(۲۰): نسبت «بلاء» و «بحران».....	۱۰۵
نحوه دار(۲۱): نسبت مفاهیم قرآنی و مفهوم «بحران».....	۱۰۸
نحوه دار(۲۲): اصول مدیریت قرآنی بحران در قالب الگوی چرخشی مدیریت بحران.....	۱۹۲

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْوَدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا أُحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَّنَا عَلَيْ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النحل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

جایگاه محوری قرآن کریم در منظومه فکری اسلام و ویژگی‌های منحصر بفرد آن، منجر شده تا خداوند متعال نسبت به تدبیر در این کتاب الهی و بهره‌مندی از اصول و آموزه‌های آن به مثابه راهنمایی جاودانی، به کرات توصیه نموده باشد. در واقع قرآن کریم در کلام الهی به اوصافی شناسانده شده که حکایت از حیات و تأثیرگذاری مستمر آن در ورای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دارد؛ اوصافی چون «هدایت‌گری و بشارت‌دهندگی» (إنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِي أَقْوَمُ وَ يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ - بخشی از سوره مبارکه الاسراء (۱۷). آیه شریفه ۹)، «صدر حکمت» (وَ الْقُرْآنُ الْحَكِيمُ - سوره مبارکه پس (۳۶) - آیه شریفه ۲)، «دارای کرامت» (إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - سوره مبارکه الواقعه (۵۶)). آیه شریفه ۷۷) و مواردی از این قبیل که در مجموع دلالت بر ضرورت مراجعه مستمر به این کتاب الهی و بهره‌مندی از آن برای فهم معنای زندگی، فلسفه حیات و نحوه اداره امور دارد. به همین خاطر است که خداوند متعال «قرآن کریم» را از این حیث جامع معرفی نموده و تصویری دارد که «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلتَّائِسِ مِنْ كُلِّ مَيْلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الکهف (۱۸). آیه شریفه ۵۴). این

۱۲ □ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

خطاب عمومی به انسان دلالت بر آن دارد که «قرآن کریم» برای تمامی صاحبان عقول سلیم می‌تواند راهنمای باشد و قرآن از این منظر «هادی» و «روشن‌گر» است. این معنا آن زمان آشکارتر می‌گردد که بدانیم خداوند متعال سلامت معنا و صیانت متن از هر گونه انحرافی را در طول زمان متوفی ساخته و در تمامی اعصار متنی معتبر و مستندرا در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند بدان اتكاء نماید؛ چنان که فرموده است: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الْذِكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (قرآن کریم. سوره مبارکه الحجر (۱۵). آیه شریفه ۹).

با این مبنا و با عنایت به سفارش‌های بیان شده از سوی رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین ﷺ در خصوص ضرورت تمسک به قرآن کریم و اهل‌بیت ﷺ؛ ضرورت مطالعات قرآنی با استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای متناسب با نیازها و مسائل هر دوره‌ای، آشکار می‌گردد. دانشگاه امام صادق ع به عنوان نهادی که بر بنیادی خیر و نیکو و مطابق با آموزه‌های دینی تاسیس شده و چنان تعریف شده تا بر این اصل استوار بوده و بدین ترتیب از کثری و انحراف دور باشد (أَفَمَنْ أَسَسَ بُيُّنَاتَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانِ حَيْرُ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُيُّنَاتَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارِ - قرآن کریم. سوره مبارکه التوبه (۹) بخشی از آیه شریفه ۱۰۹)، از حیث محتوایی، فلسفی و ساختاری در ارتباطی تنگاتنگ با قرآن کریم قرار دارد و توسعه مطالعات قرآنی و تلاش برای حاکمیت فرهنگ قرآنی (در پژوهش نیروی انسانی، تربیت مدیران، تولید نظریه علمی و ...) تنها اولویت محوری دانشگاه به شمار می‌آید که تمامی سیاست‌ها در ذیل آن معنا می‌دهد. این رویکرد با هدف خروج قرآن کریم از مهجوریتی تعریف شده که رسول خدا ﷺ پیوسته نگران آن بوده و امت را نسبت به این پدیده خطرناک تحذیر می‌دادند؛ باشد که با قرآن از در افتادن به گمراهمی و کفر بازداشت شوند؛ «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» (قرآن کریم. سوره مبارکه الفرقان (۲۵). آیه شریفه ۳۰).

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق ع با هدف همراهی با این آرمان بلند و با انگیزه بهره‌مندی از هدایت‌های قرآنی در گستره جامعه علمی، طرح کلان «توسعه مطالعات قرآنی» را از سال ۱۳۸۷ همزمان با هفته پژوهش آغاز و مطالعات متعددی را با رویکرد تخصصی و میان‌رشته‌ای تعریف و به اجراء گذارده است. اثر حاضر از جمله محصولات این طرح با برکت است که پس از طی مراحل پژوهشی جهت بهره‌مندی جامعه علمی عرضه می‌گردد. ناشر ضمن تشکر از تمامی افرادی که در نهایی شدن این طرح همکاری نموده‌اند؛ بویژه پدیدآورنده محترم، امید دارد که به این وسیله در توسعه آموزه‌های قرآنی با بهره‌مندی از راهنمایی‌های ارایه شده از معصومین علیهم السلام، در سطح جامعه علمی توفیقی کسب نماید. در این صورت رحمت قرآنی مشمول حال محقق، ناشر و خوانندگان خواهد بود که جمع کثیری از اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی را شامل می‌شود و این وعده حق الهی است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَتُنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (قرآن کریم، سوره مبارکه الاسراء ۱۷). بخشی از آیه شریفه ۸۲). در این راستا و همچون قبل ناشر آمادگی خود را جهت دریافت آثار پژوهشی محققان و نشر آنها اعلام می‌دارد.

وَلَهُ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

به دلیل اهمیت بحران‌های اجتماعی و سیاسی نظریه‌پردازی‌های بسیاری برای توصیف و تبیین این وضعیت صورت گرفته است. در این نظریه-پردازی‌ها تلاش شده است الگوهایی برای مدیریت بحران ارائه شود که با حداقل هزینه بحران‌ها را کنترل و مدیریت کنند. هدف نظریه‌پردازان در این حوزه آن است که چیستی، چگونگی، چرایی گسترش و سپس، مدیریت بحران‌ها را بحث و بررسی نمایند. لکن اصول و راهبردهای ارائه شده توسط بیشتر نظریه‌پردازان خاستگاهی غربی و غیر بومی دارند و این مطالعات با پیش‌فرض‌های غیر دینی تبیین شده است و در نتیجه در بسیاری زمینه‌ها سنتیتی با اصول و شرایط حاکم بر جامعه اسلامی ما ندارد و نیازمند بازنگری در این الگوها و یا تولید الگوی بومی می‌باشیم.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند در راستای یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای در حوزه سیاست و مدیریت و در جهت تولید علوم انسانی برخواسته از قرآن کریم در موضوع مدیریت بحران، ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی واژه بحران و مطالعه‌ی اصول و الگوهای رایج مدیریت بحران، ابتدا معنای «بحران» در گفتمان قرآنی را بررسی و تحلیل کند و رویکرد قرآن را به این مفهوم بررسی نماید و سپس بحران‌هایی را در قصص انبیاء اولو‌العزم (علیهم السلام) که

۱۶ □ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

نمونه‌ای از مدیران موفق در تاریخ بشر می‌باشند را مطالعه و اصول به کار رفته توسط ایشان برای مدیریت بحران در یک جامعه الهی را استخراج نماید.

به همین منظور واژه‌های قرآنی را که دارای معنا و مصاديق مشترک با مفهوم بحران هستند کشف و بررسی کرده‌ایم و در ادامه سه داستان قرآنی از زندگی حضرت نوح (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام) و نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که بیان‌کننده وقوع بحران و در نتیجه مدیریت بحران توسط ایشان می‌باشد را برگزیده و در قالب فرآیند سه مرحله‌ای شکل‌گیری بحران، تحلیل و بحث نموده‌ایم. نهایتاً پس از بیان و بررسی بحران‌ها، با استخراج اصول مدیریت بحران که توسط انبیاء (علیهم السلام) در قصص مورد نظر اعمال شده است، آنان را مقایسه کرده، به سیزده اصل مشترک دست یافتم، که مهم‌ترین این اصول عبارتند از: پیش‌بینی و ایجاد آمادگی، آگاهی بخشی، پیش‌گیری، پاسخ‌دهی سریع، بازسازی، حذف عوامل بحران‌زا، مطالعه و بررسی بحران. تلاش شد با بررسی مدیریت بحران در قصص قرآنی انبیاء اولو‌العزم (علیهم السلام) و توجه به ملزومات امروزی مدیریت بحران به مجموعه‌ای از اصول مدیریت قرآنی بحران دست یابیم تا آغازگری بر مسیر کشف و تدوین الگوی قرآنی مدیریت بحران باشیم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم تا نخست از استاد گرامی جناب آقای دکتر اصغر افتخاری که در مسیر نگارش و نشر این اثر مرا یاری رساندند، و همچنین جناب آقای دکتر عباس مصلایی پور تشکر نمایم. افزون بر این از ریاست محترم و مجموعه‌ی دانشگاه امام صادق (علیهم السلام) به ویژه معاونت پژوهشی دانشگاه که زمینه‌ی تحقیق و ترویج مطالعات علوم انسانی و اسلامی را فراهم آورده‌اند تشکر می‌کنم. امید آن که شاهد تولید، توسعه و ترویج علوم انسانی اسلامی برآمده از قرآن کریم باشیم و در عرصه علم و عمل از آن بهره‌مند گردیم.

۸

کلیات

۱-۱. موضوع شناسی

مبانی علوم انسانی مدرن، مبانی غربی و در برخی موارد غیر دینی می باشد و با ساختارهای رایج اجتماعی و فرهنگی اسلامی و ایرانی همسویی ندارد. از آنجا که علوم انسانی بومی و هماهنگ با باورهای مذهبی و قومی نیاز مبرم هر جامعه‌ای است، تلاش در جهت تولید ادبیات علوم انسانی - اسلامی تلاشی ضروری به نظر می‌رسد. نقص و کمبود و کبی برداری‌های ناشیانه از الگوهای غربی علوم انسانی موضوعی ملموس، شفاف و قابل درک است. بدیهی است که تولید علوم انسانی اسلامی و ایرانی بدون توجه به قرآن کریم که یکی از منابع اصلی اندیشه‌های دین مبین اسلام است امکان‌پذیر نیست و باید توجهی اساسی به این منبع الهی برای درک معارف دینی داشت. در این تحقیق در صدد آنیم که یکی از موضوعات مطرح در علوم انسانی را با نگاهی قرآنی به تحلیل و بررسی پردازیم. «حران» و «مدیریت بحران» یکی از امور مهم در زندگی روزمره جوامع انسانی است و پژوهشگران و مدیران نمی‌توانند جامعه‌ای را بدون توجه به بحران‌های آن درک و مدیریت نمایند. اما رویکردها و الگوهای ارائه شده در مدیریت بحران اصولاً بر اساس مبانی غربی و غیر دینی طراحی شده‌اند، که البته در بسیاری موارد قابل اقتباس و بهره‌برداری‌اند، لکن با توجه به مبانی متفاوت

غربی، ارائه الگویی دینی و قرآنی از مدیریت بحران ضروری به نظر می‌رسد. قصد داریم با مطالعه قصص انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام) در قرآن کریم که نمونه‌ای از مدیریت موفق جامعه‌ی بشری هستند به الگویی دینی از مدیریت بحران برسیم. ابتدا با بهره‌گیری از منابع مختلف به بیان الگوها و راهبردهای رایج مدیریت بحران پرداخته، بحران را از نگاه قرآن بررسی و تحلیل کرده و سپس با مطالعه موردی ۳ داستان از نحوه‌ی مدیریت انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام) در قرآن کریم سعی کرده اصول الگوی قرآنی، برای مدیریت بحران را استخراج نماییم. قابل ذکر است که در صدد بیان اصول مدیریت بحران هستیم و سیاست‌های عملی مبتنی بر آن‌ها در شرایط و امکانات خاص خود شکل می‌گیرد و از هدف پژوهش پیش رو خارج است.

۱-۲. بررسی دیدگاه‌ها

با توجه به جدید بودن موضوع اثر که در قالب یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای و در ذیل مطالعات قرآنی صورت می‌گیرد، منابع و پژوهش‌های قابل توجهی در این زمینه یافت نشد، لکن برخی پژوهش‌ها و تحقیقات در ذیل عنوان کلی مدیریت بحران وجود دارد که برخی از آنان قابل توجه‌اند و راهنمای این کتاب قرار گرفته‌اند.

آثار موجود در این حوزه را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:
اول: منابعی که در آن‌ها چیستی و الگوهای عمومی مدیریت بحران مدنظر بوده‌اند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- کتاب «مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران» اثر محمدرضا تاجیک حوزه گسترده‌ای از نظریات و مفاهیم را بررسی می‌کند لکن هیچ اشاره‌ای به الگوی دینی و قرآنی مدیریت بحران ندارد. (تاجیک ۱۳۷۹)
- کتاب «بحران، تعارض و بسی ثباتی»، در این کتاب نویسنده بحران‌های اجتماعی و سیاسی بررسی کرده و تأثیر آنان را بر حاکمیت

سیاسی بررسی می‌کند. (برچر مایکل و ویکلفند جاناتسان، ترجمه علی صبحدلل (۱۳۸۲)

• در مقاله «طراحی سیستم بسیج امکانات ملی در مواجهه مناسب با بحران‌های طبیعی و اجتماعی»، نویسنده قصد دارد با بررسی منابع و امکانات موجود، به راهکاری مناسب به منظور بهره‌برداری از داشته‌ها در زمان وقوع بحران برسد، تا با هزینه کمتر نتیجه مطلوب را به دست آورد. (پور عزت و همکاران (۱۳۸۳))

• علی رضائیان در مقاله «الزامات مدیریت بحران» سعی کرده است ضمن مطالعه و معرفی شرایط بحران، اصولی که رعایت آنان در دوره بحران ضروری است بیان کند. (رضائیان (۱۳۸۳))

• کتاب «گونه‌شناسی بحران‌ها و راهکارهای مقابله با آن» اثر ستاد حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه به صورت مختصر به بحران‌های متعدد دوره انقلاب پرداخته و به بررسی نقش ولی فقیه در اداره بحران‌ها اشاره نموده است. اما اولاً بحران‌ها را دقیقاً بررسی ننموده ثانياً اصول ثابتی را ارائه نداده است ثالثاً اشاره به اصول قرآنی ندارد.

نقشه قوت این آثار آن است که در موضوع شناسی و شناخت ماهیت و اصول حاکم بر مدیریت بحران‌ها، دارای دقت بالایی هستند. اما نقص عمومی آن‌ها، عدم توجه به مبانی اسلامی و ملاحظات بومی است. لذا در کتاب حاضر صرفاً در موضوع شناسی (شناخت دیدگاه‌های غربی) از آنها استفاده می‌شود.

دوم: این دسته آثار به مطالعه نوع خاصی از بحران‌ها پرداخته اند و سعی در استخراج اصول و الگوهای رایج مدیریت بحران به کار گرفته شده در بحران‌های مورد نظرشان می‌پردازند:

• کتاب «مدیریت بحران‌های بین‌المللی» تألیف علی اصغر کاظمی: وی با ارائه یک طبقه بندی مناسب از بحران‌ها و ترسیم کانون‌های بحران در جهان و خاورمیانه و تاکتیک‌های مهار آن‌ها به مطالعه موردی بحران کوشا

۲۰ □ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

و کُره پرداخته، ولی هیچ اشاره‌ای به اصول قرآنی مدیریت بحران ننموده است. (کاظمی ۱۳۶۶)

• پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) با عنوان «بررسی مدیریت بحران در فناوری اطلاعات برای دانشگاه‌ها» به بررسی نقش فناوری اطلاعات و تأثیر نظم بخشی داده‌ها در هنگام وقوع بحران می‌پردازد. (بیچرانلو ۱۳۸۵)

• پایان نامه مصطفی حیدری سعی دارد با مطالعه‌ی عملیات‌های مهم و حساس در دوران جنگ تحمیلی و اصول و الگوهای به کار رفته در این عملیات‌ها به الگویی بومی از مدیریت بحران دست یابد. (حیدری ۱۳۸۶) این آثار از آنجایی که در حوزه‌ای تخصصی و در یک زمینه‌ی مشخص به مطالعه و بررسی بحران پرداخته‌اند، از کلی گویی پرهیز نموده و بر اساس واقعیت‌ها و بحران‌های حقیقی، موضوعات خاص بحرانی را تحلیل نموده‌اند. ایراد و یا کمبود اول این آثار آن است که همانند آثار دسته‌ی پیشین توجه ویژه‌ای به ملاحظات قرآنی ندارند، البته در این تحلیل‌ها عناصر بومی در نظر گرفته شده است. ایراد دیگر این دسته از آثار آن است که عمله اصول و الگوهای استخراجی از آنان قابل تعمیم نیست و خاص بحران بررسی شده است.

سوم: این دسته از آثار به نقش مؤلفه‌ها و شاخص‌های گوناگون در بحران و مدیریت بحران می‌پردازند و سعی دارند میزان اثر گذاری یک یا چند عامل را در بحران بررسی نمایند.

• شاون پی مکارتی در کتاب: «نقش اطلاعات در مدیریت بحران: درآمدی محور دو قطبی مصرف کننده و تولید کننده اطلاعات» صرفاً به نقش اطلاعات در مدیریت بحران پرداخته، در حالی که این نگاه تک بعدی توانایی ارائه اصول مناسب برای مدیریت بحران را ندارد. (مک کارتی شاون پی ۱۳۷۸)

• در مقاله «نقد و بررسی نظریه‌های مطرح در باره نقش رسانه در مدیریت بحران» نویسنده آراء و نظریاتی را بررسی می‌کند که به نقش رسانه در بحران توجه دارند و صرفاً بر نقش رسانه تأکید دارد و از منظر عمومی به بحران نمی‌نگرد و اصول کلی ارائه نشده است.(آفایی ۱۳۸۷)

• روشنی‌دل ارسطوی در مقاله «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت» ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف مدیران در مواجهه با بحران، به تأثیر هر دیدگاه و راهبرد توصیه شده توسط آنان در نقش رسانه در دوران بحران می‌پردازد.(روشنی‌دل ارسطوی ۱۳۸۷)

این دسته از آثار همچون دسته اخیر، مطالعاتی هستند که اصول آنان قابل تعمیم نبوده و از منظری خاص و با در نظر گرفتن متغیری ویژه به بررسی بحران پرداخته‌اند. در این نوع مطالعات به اصول اسلامی و الگوهای قرآنی توجه نشده است.

البته دسته‌ی محدود دیگری از آثار هستند که با ملاحظات اسلامی به مطالعه بحران پرداخته‌اند که البته آثاری که در حوزه علوم اسلامی ارائه شده جنبه‌ی توصیفی پر رنگ‌تری دارند و اصول و الگویی کامل ارائه نمی‌دهند. بیشتر آثار تولیدی در حوزه مدیریت بحران بر الگوهای رایج مدیریت بحران که زاده اندیشه‌ای غربی است اشاره دارند. به نظر می‌رسد این پژوهش بتواند در یک مطالعه‌ی میان رشته‌ای، با بهره برداری از الگوهای رایج مدیریت بحران و استخراج اصول قرآنی، گامی را در جهت شکل‌گیری ادبیات اسلامی و انسانی برداشته باشد و مسیر را برای تولید الگوهای اسلامی و ایرانی و بومی‌سازی علوم انسانی مورد نیاز در این حوزه بردارد.

۱-۳. رویکردی جدید

مفهوم بحران از منظر قرآن کریم، کمتر مورد توجه اندیشمندان و محققان مطالعات قرآنی قرار گرفته است. به عنوان مثال در معجم‌ها و دایرةالمعارف‌های قرآنی چون التحقیق، مجمع البحرين، المفردات، لسان‌العرب،

قاموس، العین، دایرةالمعارف قرآن کریم و دانشنامه قرآن کریم مفهوم بحران به معنای مصطلح آن مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. موضوع مدیریت بحران‌ها کمتر با نگاهی قرآنی مطالعه و بررسی شده است و شاهد ارائه یک راهکار قرآنی در مجموع آثار مرتبط با مدیریت بحران نیستیم.

لذا با توجه به خلاصه تئوریک موجود در زمینه مطالعه قرآنی بحران و نیاز به یک مدل بومی و اسلامی در خصوص مدیریت بحران شاید بتوان این تحقیق را پژوهشی جدید دانست و از آن جا که در صدد ارتباط میان رشته‌ای در حوزه مدیریت و سیاست هستیم و در نهایت آن را با معیار قرآنی می‌سنجیم می‌توان آن را یک نوآوری در حوزه مطالعات مدیریت بحران دانست.

نکته‌ی دیگری که بسیار قابل توجه است توجه به منبع وحی، قرآن کریم به عنوان معیار اصلی در تحقیق می‌باشد، این منبع الهی «تَبَيَّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) است و می‌تواند راه کارهای مناسبی در تولید علوم انسانی پویا و کارآمد ارائه دهد. با توجه به رویکرد قرآنی این تحقیق می‌توان آن را یک نوع نگاه متفاوت به علوم سیاسی، مدیریت و در کل در علوم انسانی دانست.

۱-۴. سازمان تحقیق

این اثر در چهار فصل تدوین شده است:

فصل اول (کلیات): در فصل اول بعد از مقدمه به بیان کلیات و معرفی موضوع تحقیق و موضوع شناسی پرداخته، سپس با مطالعه و بررسی مطالعات و منابع موجود در زمینه مورد بحث کتاب، به تحلیل و نقد آنان پرداختیم و در نهایت جنبه نوآوری و نو بودن دیدگاه اثر حاضر را بحث نمودیم.

فصل دوم (چارچوب مفهومی- نظری): در این فصل ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی تحقیق از جمله بحران و مؤلفه‌های آن، مدیریت بحران، رویکردهای مدیریت بحران، فرآیند مدیریت بحران و به مهمترین الگوهای رایج مدیریت بحران و اصول آن اشاره می‌شود. در پایان ضمن مقایسه و

بررسی الگوهای موجود مدیریت بحران، الگوی مختار و مبنا را که راهنمای کتاب است، بر می‌گزینیم.

فصل سوم: در این فصل سعی می‌شود ابتدا معادلهای قرآنی مفهوم بحران کشف و سپس تعریف گردد و با بررسی لغوی و اصطلاحی این واژگان و مقایسه آنان با مفهوم بحران، به تعریفی قرآنی از این مفهوم برسیم. این تعریف مبنای تحلیل در مطالعات موردی فصل بعدی خواهد بود.

فصل چهارم: ابتدا ضرورت رجوع به سیره‌ی قرآنی انبیاء (علیهم السلام) تبیین می‌شود و سپس به مطالعه‌ی قصص انبیاء اولوالعزم (علیهم السلام) در قرآن کریم که گویای رخ داد بحران و نوعی مدیریت بحران است، می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا اصول مدیریت بحران را بر اساس سیره و روش ایشان تبیین نماییم و آن در در قالب الگوی سه مرحله‌ای مدیریت بحران تقسیم بندهی نموده و سپس، اصول مشترک مدیریت بحران در سیره‌ی انبیاء (علیهم السلام) در قصص مورد نظر را مشخص می‌نماییم.

چارچوب مفهومی و نظری

کلیات

«بحران» (crisis) و «مدیریت بحران» (crisis management) در معنا و استعمال رایج واژه‌هایی هستند که از فرهنگ و ادبیات غرب وارد مجموع واژگان فارسی شده‌اند. از آن جا که واژگان مذکور در خاستگاهی متفاوت از فرهنگ ما شکل گرفته‌اند و دارای بستر تاریخی خاص و ابعاد مختلف‌اند، لذا تا زمانی که ریشه‌ها و جنبه‌های آن روشن نشود نمی‌توان وارد بحث اصلی شد.

پیرامون بحران مباحث و تعاریف متعددی ذکر شده است، صرف نظر از دیدگاه‌های گوناگون درباره این واژه، می‌توان در فرهنگ‌های لغت، ادبی، سیاسی و یا مدیریتی و همچنین در کلام سیاستمداران، مدیران و صاحب نظران نیز، تعاریف چندی را به دست آورد. در این فصل با مراجعه به نظرات و منابع گوناگون ابتدا مفهوم بحران و مدیریت بحران را بررسی خواهیم کرد و سپس در چارچوب نظری به بررسی رویکردها و الگوهای تعريف بحران و مدیریت بحران می‌پردازیم.

۱-۲. چارچوب مفهومی

بحران مانند بسیاری از واژه‌های موجود در علوم انسانی واژه‌ای سیال و گسترشده است و تعاریف بسیاری از آن ارائه شده و بسته به دیدگاه تحلیل گر،

نویسنده و یا هر مخاطب دیگری معنای خاص خود را دارد. روی هم رفته امکان تعریف موجز و شسته و رفته‌ای برای بحران وجود ندارد و بایستی ابتدا دیدگاه‌ها را روشن نمود و سپس در چارچوب هر دیدگاه «بحران» را تعریف نمود. بحران را ممکن است از دیدگاه یک سیاستمدار ترسیم نمود که مطمئناً عناصر و عوامل متشكل آن متفاوت از آن‌هایی است که در دیدگاه یک ناظر مستقل متجلی می‌گردد.

۱-۱-۲. بحران

الف. تعریف لغوی:

«بحران» لفظ یونانی و معرب است و معادل واژه crisis در انگلیسی است که ریشه‌ی یونانی آن krisis به معنی نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی واژه بحران معادل فرصت خطرناک است، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت. فرهنگ آریان‌پور واژه crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنای کرده است.(آریان‌پور ۱۳۷۷ج: ۱۲۰۳) فرهنگ دهخدا بحران را این گونه تعریف می‌کند: «تغییری که بیمار را پیدا آید در تب و با یوم اضافه شود چنانکه گویند «یوم بحران»، «لفظ بحران در اصل یونانی است»، «بحران تغییر حال بیمار است از حالی به حالی یا بهتر یا بدتر». دهخدا در ادامه انواع بحران را تعریف می‌کند که به عنوان نمونه تعریف وی از بحران سیاسی را ذکر می‌کنیم: «بحران سیاسی؛ حالتی که در نتیجه‌ی آن توازن نظام اجتماعی دگرگون شود و دولتها و نظامهای اجتماعی ناچار به سقوط یا ترمیم یا تعویض گردند».(دهخدا ۱۳۷۶: ۳۷۹۶) در فرهنگ عمید بحران «آشفتگی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض تبدار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود.» تعریف شده است.(عمید: ۱۳۴۰) و به اصطلاح اطباء، ممتازت طبیعت با مریض، شدت ناگهانی بیماری، تغییری که بیمار را پیدا آید در تب.(دایرةالمعارف جامع اسلامی ۱۳۸۲: ۳۸۹)

در هر صورت واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی اشاره دارد که از قبل پیش‌بینی نمی‌شده است و می‌توان جمع‌بندی زیرا را از معنای واژه بحران به دست آورد: «سرگشتگی، بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر (dangerous point)، سختی و پریشان حالی، شدیدترین مرحله سختی، رنج کشیدن» و ... (پشیر ۱۳۸۷: ۵۱-۵۵)

ب. تعریف اصطلاحی

تعریف بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگرچه تاریخ جوامع بشری روایتی مستمر و بلاقطع از «بازی بحران‌ها» است، لیکن تاکنون گفتمان و ادبیات واحد شفاهی پیرامون آن شکل نگرفته است و ارائه‌ی تعریفی مشخص و قابل اجماع از مفهوم بحران را غیرممکن می‌نماید. (حسینی ۱۳۸۴ ج: ۱۱)

چارلز مک کلند (Charles Mechland) معتقد است در پنجاه سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی و با رویکردهای متفاوت روش‌شناختی، مطالعات بسیاری درباره بحران انجام گرفته، لیکن چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب ارائه‌ی تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه درک آن را به مرتب پیچیده‌تر کرده‌اند. (حسینی ۱۳۸۴ ج: ۱۲)

مفهوم بحران در کنار مفاهیم دیگری همچون امنیت، قدرت، منافع، اهداف، مصالح و تهدیدات و ... معنا پیدا می‌کند، که همگی سیالند. با رویکرد روانشناختی و نسبی گرایانه، اندیشمندانی همچون کاپرمن (Kapperman)، وین کاکس (Wincox) و اسمیت (Smith) معتقدند که منظور از بحران نزد نظاره‌کنندگان آن‌ها می‌باشد.

از منظر زبان شناختی می‌توان گفت، دال مفهوم بحران به مدلول وجود ندارد و رابطه قراردادی است و مفهوم بحران، مصاديق خود را در بستر گفتمان‌های گوناگون می‌جوید، لذا بهترین راه تعریف، مشرب فوکویی یعنی روایتی گفتمانی (دیرینه شناختی) از مفهوم بحران است. (تاجیک ۱۳۷۹: ۴۷)

بحران مفهومی است که نقش نگرنده و نگریسته در تعریف آن کاملاً اثر گذار است و با توجه به جایه‌جایی متعدد نگرنده و نگریسته و تحول مصاديق آن‌ها در دایره هستی، شاید نتوان مفهوم بحران را در چارچوب الگویی واحد تعریف کرده و بسته به موضوع متفاوت است.

بحران با مفاهیم بسیار مرتبط است: «درگیری، ستیز، بی‌ثباتی، انقلاب، شورش، اسقاط نظام و نظام حاکم» (اسماعیلی ۱۳۸۸: ۱۳) و خود گواه تعریف‌ناپذیری بحران است. از بحران، تعاریف متعددی بیان شده است که می‌توان آنها را در قالب چهار رویکرد اصلی دسته‌بندی نمود:

اول. رویکرد سیستمی: «بحران عبارت است از وضعیتی که نظام سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن را که آن سیستم فرعی می‌نامیم مختل کرده و پایداری آن را به هم بزنند. به زبان دیگر یک بحران وضعیتی است که تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر سیستم به وجود می‌آورد» (کاظمی ۱۳۶۶: ۱۴) این تعریف براساس دیدگاه سیستمیک (systemic) ارائه می‌گردد. در این تعریف آن چه مهم است شناخت و کنترل عواملی است که سیستم را دچار بحران می‌کنند. از جمله این تعاریف می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

یک. علیرضا اسماعیلی در کتاب «مدیریت بحران در حوزه ترافیک»، بحران را این گونه تعریف می‌کنند: «بحران عبارت است از به وجود آمدن شرایطی غیرمعمول یا غیرمتعارف در روند حرکت؛ به بیان دیگر «بحران» وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییر ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظام موجود ایجاد می‌گردد» (اسماعیلی ۱۳۸۸: ۱۱)

دو. پرو با تفاوت قائل شدن بین حادثه و بحران «بحران» را اختلالی عمدۀ می‌داند که عکس حادثه، کل نظام را از کار باز می‌دارد و سیستم را با مشکلات عمدۀ روبرو می‌کند و حیات آن را به مخاطره می‌اندازد. (پرو

(۳۳: ۱۹۸۴)

سه. تاجیک بحران را مختص سیستم اصلی نمی‌داند و می‌گوید: «بحران وضعیتی است که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن (سیستم فرعی) را مختل کرده و پایداری آن را به هم می‌زند». (تاجیک ۱۳۷۹: ۲۷)

دوم. رویکرد ارگانیکی: «این تعریف بحران را یک «نقطه عطف» (Turning point) در تحول و توسعه‌ی یک رویداد یا یک ارگانیسم معرفی می‌کند. در همین مسیر بحران «نقطه حساس» (critical point) را شامل می‌شود که در نهایت ممکن است ناشی از یک تحول مناسب و خوب و یا نامساعد باشد؛ مانند مرگ و زندگی، تخاصم یا دوستی، تعادل یا ناپایداری و ...» (رابرت ۱۹۶۳: ۴) که برخی از مهم‌ترین این تعاریف عبارتند از:

یک. از دیدگاه لوسین پای بحران مرحله‌ای گذرا و زمینه‌ای است که منجر به نواوری و تحول می‌گردد و سبب پیشرفت و تغییر جامعه می‌شود. «بحران تغییر است که به بعضی نواوری‌های حکومتی و نهادینه‌سازی نیاز دارد مشروط بر این که یا نخبگان حاضر نباشند به طور جدی راجح به از دست دادن موقعیت خود خطر کنند یا بنا باشد که جامعه به حیات خود ادامه دهد بنابراین بحران‌ها بیانگر موقعیت‌هایی هستند که در آن‌ها جامعه در جهتی نوحرکت می‌کند. آن‌ها نقاط عمده تصمیم‌گیری‌اند که جامعه در آن‌ها مجدداً تعریف می‌شود». (پای ۱۳۸۰: ۴۶۳)

دو. راینسون (Robinson) بحران را «یک مقطع متراکم زمانی برای تصمیم‌گیری می‌داند که می‌تواند به دلیل حجم تهدیدهای ناشی از نوع تصمیم، مخاطرات بسیاری را متوجه منافع بازیگران سازد». (راینسون، ۱۳۷۵: ۴۵)

سوم. رویکرد علی: در این رویکرد منشأ و علت بروز بحران مبنای تعریف است. برای مثال می‌توان به دیدگاه‌های زیر اشاره نمود: یک. دیدگاه اقتصادی: از دیدگاه اقتصادی، ضعف عملکرد دولت و تصمیمات نا به جا و نسجیده در ارتباط با نظام اقتصادی، به بحران‌های

اقتصادی و مالی نظیر تورم، بیکاری، رکود، کسر بودجه و رخدادهای مشابه منجر می‌شود. (اسماعیلی ۱۳۸۸: ۱۴)

دو. دیدگاه سیاسی: از دیدگاه سیاسی ناتوانی رهبران سیاسی در جامعه و عدم وجود یک نظام سیاسی عادلانه و عدم قابلیت اداره امور حکومتی به عنوان یک بحران تلقی می شود. (اسماعیلی ۱۳۸۸: ۱۴)

چهارم. رویکرد فرآیندی: «دراین چارچوب بحران عبارت است از وضعیتی که: اولاً هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند. ثانیاً زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌کند. ثالثاً عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند». (کاظمی ۱۳۶۶: ۱۳) از این رویکرد متعاقباً به تعابیر ذهن اشاره داشته‌است:

یک. هرمان (Herman): بحران را حادثه‌ای می‌داند که موجب سردرگمی و خیرت افراد شده و قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب و تحقق اهداف را به خط انداخته است. (کاظمی، ۱۳۶۶: ۲۴)

دو. مصباح الهدى باقری: «بحران را می‌توان شرایط غیرعادی دانست که در آن، مشکلاتی ناگهانی و پیش‌بینی ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی، ضوابط، هنجارها و قوانین مرسوم، کارساز نخواهد بود. (باقری ۱۳۸۵: ۳)

سه. در لایحه‌ی پیشنهادی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل سازمان مدیریت بحران، بحران این گونه تعریف شده است: «شایطی که در اثر حوادث و رخدادها عملکرد طبیعی و انسانی به طور ناگهانی یا غیرقابل کنترل پدید می‌آید و موجب ایجاد مشقت و سختی برای یک مجموعه یا جامعه انسانی می‌شود و بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق العاده دارد».^{(۱۳۸۵) (لایحه تشکیل سازمان مدیریت بحران)}

ج. تعریف مختار

به نظر می‌رسد تعریف چینی‌ها از بحران به عنوان یک فرصت و تهدید تعريف منطقی‌تری است. در این زبان واژه بحران معادل فرصت خطرناک، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت تعريف شده است. این تعريف به ما کمک می‌کند که از نظر مدیریتی (تصمیم‌سازی) به بحران نگریسته، و دور از مناقشات مفهومی و گونه‌شناختی، هر بحران را به عنوان یک عرصه تدبیر و تصمیم (ترکیبی از تهدیدات و فرصت‌ها) مورد مطالعه قرار دهیم. (حسینی ۱۳۸۴ ج: ۱۳) بحران‌ها از آن جهت که شوک یا ضربه‌ای ناگهانی به نظام‌های اجتماعی وارد می‌کنند و آن‌ها را به تلاش و تدبیر خردمندانه فرامی‌خوانند، نوعی فرصت تلقی می‌شوند. (روشنیل اریطانی ۱۳۸۷: ۳۷)

با این تعريف بحران دیگر یک تحول نا مساعد نیست بلکه می‌تواند پله صعود و پیشرفت قرار گیرد. اگر بحران را این گونه معنا کنیم رویکردی هم که نسبت به بحران اتخاذ خواهیم کرد رویکردی فعال و ایجابی خواهد بود و صرفا نگاهی منفعل و سلبی نخواهیم داشت.

د. انواع بحران

با توجه به رویکرد و تعاریف متعدد و متفاوت از بحران‌ها می‌توان بحران را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرد. در یک نگاه کلی بحران‌ها به دو حالت قابل تمییز از هم هستند:

اول. تک شاخصی

در این رویکرد، تحلیل گر بنا به دلائل خاص یک عامل و مؤلفه را در تقسیم‌بندی بحران که به نظر وی از ارزش راهبردی برخوردار است، برجسته می‌سازد. در این ارتباط می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: یک. عده‌ای براساس موضوع، بحران‌ها را در اشکال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، قومی، طبیعی، فرهنگی، سازمانی و ... طبقه‌بندی کرده‌اند.

۳۲ □ اصول مدیریت بحران در قرآن کریم

دو. عده‌ای بحران‌ها را از نظر گستردگی(فراگیری) به بحران‌های محلی، ملی، فراملی(منطقه‌ای و بین‌المللی) تقسیم کرده‌اند.(میتراف و شریو استارا (۸۰: ۱۹۷۸)

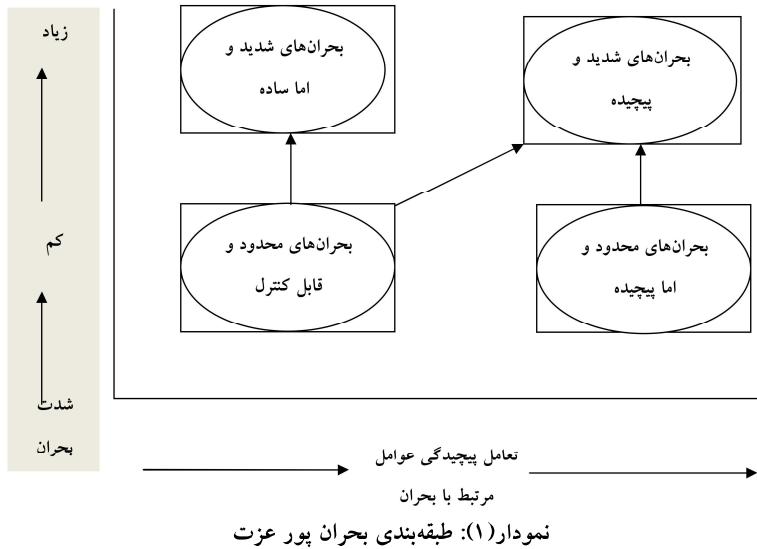
سه. فرآیند بروز شاخص دیگری است که برای طبقه‌بندی بحران از آن استفاده می‌شود. ناگهانی، تدریجی، کنونی همگی از انواع این تقسیم‌اند. البته فرآیند بروز، نمی‌تواند شاخص قابل قبولی باشد چرا که ناگهانی بودن و غافلگیر کننده بودن ویژگی اصلی یک بحران است و نمی‌توان یک امر تدریجی را بحران دانست.

دوم. چند شاخصه‌ای

در دسته‌ی دیگری از طبقه‌بندی‌های بحران، بحران‌ها با رویکرد دو یا چند شاخصه تقسیم می‌شوند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: یک. میتراف(Mitroff) از دو طیف استفاده می‌کند، یک طیف داخلی یا خارجی بودن و دیگری فنی یا اجتماعی بودن بحران را نشان می‌دهد. به این طریق می‌توان چهار نوع بحران‌های فنی داخلی، فنی خارجی، اجتماعی داخلی و اجتماعی خارجی را از هم جدا کرد.(میتراف و شریو استارا ۱۹۷۸: ۲۸۹)

دو. پورعزت و همکاران با ترکیب دو شاخص پیچیدگی و شدت به نوع دیگری از طبقه‌بندی اشاره می‌کنند. در این طبقه‌بندی چهار نوع مختلف دسته‌بندی می‌شوند.(پورعزت و همکاران ۱۳۸۷: ۴۱)

چارچوب مفهومی و نظری □ ۳۳



نمودار(۱): طبقه‌بندی بحران پور عزت

هرمان از سه مؤلفه‌ی میزان تهدید، زمان تصمیم‌گیری و درجه آگاهی در طبقه‌بندی خود استفاده کرده است. هرمان با قراردادن هریک از سه شاخص بر روی محورهای x ، y ، z مدلی همچون یک مکعب ساخت که به مکعب بحران معروف شده است. او براساس این سه شاخص هشت نوع بحران را نام می‌برد. (کاظمی ۱۳۷۸: ۲۸)

درجه آگاهی	زمان تصمیم‌گیری	میزان تهدید	انواع بحران
غافلگیری	کم	شدید	بحران‌های شدید
غافلگیری	طولانی	شدید	بحران‌های نوظهور
غافلگیری	طولانی	ضعیف	بحران‌های کند
غافلگیری	کم	ضعیف	بحران‌های ویژه
پیش‌بینی شده	کم	شدید	بحران‌های انعکاسی
پیش‌بینی شده	طولانی	شدید	بحران‌های عمدى
پیش‌بینی شده	طولانی	شدید	بحران‌های عادى
پیش‌بینی شده	کم	ضعیف	بحران‌های ادارى

جدول(۱): طبقه‌بندی انواع بحران هرمان

هـ بحران‌های سیاسی:

براساس دیدگاه سیاسی، بحران‌ها خصوصاً بحران‌های حکومت‌ها را می‌توان به پنج نوع تقسیم کرد:

یک. بحران هویت: بحرانی است که در دوره‌های ناسیونالیستی رخ می‌دهد و این نوع بحران را در جوامعی که ماهیتی طبقه‌ای، قومی، منطقه‌ای دارند بیشتر شاهد هستیم و سبب آن می‌شود که شهروند جامعه پایگاه هویتی خود را شناسایی نکرده و دچار بی‌هویتی می‌گردد.

دو. بحران مشروعيت: هر حکومتی برای اعمال حاکمیت خود و پذیرش از سوی مردم نیاز به یک منبع برای مشروعيت دادن بر حاکمیت و اقتدار خود است، اگر حکومتی منبع مشروعيت خود را از دست دهد دچار بحران مشروعيت گشته است.

سه. بحران نفوذ: بحران نفوذ میزان اقتدار و نفوذ و گستردگی اقتدار مسلط را تحت تأثیر قرارداده و منجر به کاهش و یا گسترش آن خواهد شد. بحران نفوذ در محیط انسانی تغییراتی از پیش تعیین شده و یا غیرمنتظره را مطرح می‌سازد که این تغییرات توانایی‌های سازمانی، تکنولوژیکی و یا دیپلماتیک نخبگان حاکم را مورد آزمون قرار می‌دهد.(پای ۱۳۸۰: ۳۱۴)

چهار. بحران مشارکت: وقتی نخبگان حاکم تقاضاها و یا رفتار افراد و گروه‌هایی را نامشروع و غیرقانونی تلقی نمایند که خواستار مشارکت در نظام سیاسی‌اند، تعارضی روی می‌دهد که این تعارض را بحران مشارکت می‌نامند.(پای ۱۳۸۰: ۲۸۰)

پنج. بحران توزیع: که در آن حاکمیت و نخبگان سیاسی در توزیع منابع ایدئولوژیکی و طبیعی و مادی دچار اختلاف و تکثر می‌شوند.

۲-۱-۲. مدیریت بحران

در شرایط بحرانی با توجه به کمبود زمان و فرصت و بر هم خوردن شرایط طبیعی، الگوهای رایج مدیریت کارساز نیستند و باید به سراغ الگوهای

خاص مدیریت بحران رفت که اضطراب، فشار، کمی دقت و در کل شرایط خاص بحران را در نظر دارند. بنابراین «مدیریت بحران» نوع و شکل خاصی از مدیریت است که با دیگر رویکردها و الگوهای مدیریت متفاوت بوده و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد.

هر کدام از نظریه پردازان و اندیشمندان حوزه مدیریت بحران از دیدگاه خود و با توجه به گستره و نوع بحرانی که با آن روبرو بوده‌اند، مدیریت بحران را تعریف کرده‌اند و نمی‌توان تعریفی یکسان و مشخص از این واژه ارائه داد.

مدیریت بحران همچون خود مفهوم بحران، از منظرهای گوناگون مورد تعریف و تحقیق واقع شده است. گستره مفهومی و تعریفی این واژه بسیار فراخ و در برگیرنده هر تمھیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندانه بحران و خاتمه و مهار بحران در راستای تأمین منافع ملی و.... است. (تاجیک ۱۳۷۹: ۴۷)

در حوزه علوم مدیریتی، مدیریت بحران را فرایندی قلمداد کرده‌اند که یک مدیر در موقع خطر احتمالی، سعی در برآوردن ساختن اهداف خود با هزینه‌ای قابل قبول دارد. (کوپرن ۱۹۷۵: ۲۱۳) مدیریت بحران را می‌توان فرایند به کارگیری جامع، بهینه و سریع منابع در دسترس برای کنترل ناآرامی‌ها و اختلالات با حداقل هزینه و خسارت دانست. بر این اساس، شاهد تقابل دو دسته از بازیگران هستیم که ممکن است هر کدام دارای بخش‌ها و طیف‌های گوناگونی باشند و در این تقابل الگوهای مدیریت بحران از جانب بازیگران حاکم به کارگیری می‌شوند تا در این تقابل پیش آمده، بستری را فراهم سازند که شرایط به حالت عادی باز گردد و طرف مقابل کنترل و هدایت شود. ناگفته نماند که مدیریت بحران را نمی‌توان بهمثابه یک علم دقیقه دانست و آن را در حد «تسکین و فرو نشاندن» تقلیل داد. مقدم بر هر چیز، مدیریت بحران هنری است که از رهگذر آن دولت